

بررسی قابلیت پرداخت سود ثابت به سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی از کانال بیمه سپرده‌ها

۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

ابوالقاسم توحیدی نیا* حمید نصیری**

چکیده

ویژگی بانکداری اسلامی در تسهیم سود و زیان بین همه ذینفعان اصلی از یک سو و پرداخت بهره قطعی از پیش تعیین شده به سپرده‌گذاران در بانکداری متعارف، این تمایل و انتظار را در برهه ضعیف از سپرده‌گذاران مسلمان ایجاد کرده که سود ثابت مشخص از قبل تعیین شده‌ای را دریافت کنند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌باشد، آن است که آیا با ساز و کار بیمه می‌توان این مسئله را به نوعی تحقق بخشید یعنی ریسک سود و زیان موجود در عقود مالی اسلامی را با ساز و کار بیمه‌ای از سپرده‌گذاران و خود بانک اسلامی به شرکت بیمه منتقل کرد تا به این ترتیب سپرده‌گذاران بتوانند از یک سود قطعی از قبل تعیین شده برخوردار گردند؟ در این مقاله، پس از بررسی مبانی بانکداری اسلامی و مبانی و اصول بیمه‌پذیری ریسک‌ها و بیمه‌گری، با روش تحلیلی-توصیفی به این موضوع پرداخته می‌شود که ریسک‌های ذیل ریسک سود و زیان، قابلیت بیمه‌پذیری نداشته و امکان عرضه محصول بیمه‌ای متناسب با این ریسک‌ها توسط شرکت‌های بیمه وجود ندارد و باید حتماً توسط سپرده‌گذاران و بانک پذیرفته شوند.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، سود ثابت، بیمه‌پذیری، بیمه سپرده، ضمانت سپرده.

طبقه‌بندی JEL: G21, G22, Z12

*. عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). Email: a.tohidinia@ut.ac.ir.

**دانشجوی دکترای دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز.

Email: hamid.nasiri@alumni.ut.ac.ir.

مقدمه

یکی از مواردی که بانکداری اسلامی را به جهت اجتناب از ربا از بانکداری متعارف متفاوت می‌کند، رابطه حقوقی متفاوت بین سپرده‌گذاران و بانک از یکسو و بانک و تسهیلات‌گیرندگان از سوی دیگر است. برخلاف بانکداری متعارف که این دو نوع رابطه، هر دو، مبتنی بر قرض ربوی است، در بانکداری اسلامی این روابط مبتنی بر عقود شرعی وکالت (جهت سرمایه‌گذاری سپرده‌ها)، قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای و عقود مشارکتی می‌باشد. در نتیجه، بانک متعارف با دسته‌ای از ریسک‌ها مواجه است که متناسب با نقش آن یعنی واسطه‌گری وجوه می‌باشد؛ اما پیامد ایجاد ارتباط میان بانک و سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان از طریق عقود شرعی انتفاعی آن است که بانک علاوه بر نقش واسطه وجوه، نقش مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اقتصادی حقیقی از جمله سرمایه‌گذاری و خرید و فروش را داشته و درگیر سود و زیان محتمل آنها می‌شود^۱ و سپرده‌گذاران هم باریسک‌هایی مواجه می‌شوند که در میزان سود و یا زیان سپرده‌هایشان نقش دارند. مجموع چنین ریسک‌هایی که نقش مستقیمی در میزان سود و یا زیان سپرده‌ها ایفا می‌کنند، در این تحقیق، ریسک سود و زیان نامیده می‌شوند که از آن جمله می‌توان به ریسک قیمت محصول، ریسک نرخ ارز، ریسک نرخ تورم، ریسک قیمت سهام و ریسک هزینه عوامل تولید اشاره کرد. در بانکداری اسلامی، التزام به عقود مالی اسلامی - اعم از مبادله‌ای و مشارکتی - هر سه ذینفع را درگیر ریسک سود و زیان می‌کند؛ طوری که هر یک باید سهمی از آن را بر عهده گیرند و این همان چیزی است که در بانکداری متعارف وجود ندارد؛ زیرا این بانک فارغ از شرایط سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار، مازاد معین و قطعی را علاوه بر اصل پول خود انتظار داشته و از وام‌گیرنده مطالبه می‌کند و بخشی از آن را مبتنی بر توافق اولیه، به‌طور قطعی و معین به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کند^۲ و بدین ترتیب نه بانک و نه سپرده‌گذاران زیر بار ریسک‌های

^۱. حتی وقتی بانک وکیل است، به‌رغم داشتن ید امانی، باز هم میزان حق‌الوکاله دریافتی‌اش دستخوش ریسک است؛ زیرا به صورت درصدی از سود تعیین می‌شود که غیرقطعی بوده و حتی در صورت تحقق، میزان آن از قبل مشخص نیست.

^۲. این در صورتی است که نرخ بهره مورد قرارداد ثابت باشد؛ اما در صورت شناوربودن این نرخ، بحث

سود و زیان مورد مواجهه وام‌گیرندگان نمی‌روند؛ اگرچه که آنها با ریسک‌هایی مانند ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی مواجه‌اند و آنها را تحمل می‌کنند کما اینکه یک رباخوار - یا کسی که بخشی از پولش را در اختیار رباخوار قرار داده است - هم با چنین ریسک‌هایی مواجه است. البته به‌رغم عقد وکالت - در سرمایه‌گذاری - و عقود مشارکتی که مواجهه تأمین مالی‌کننده با ریسک‌های سرمایه‌گذاری در آنها به‌صراحت مشهود است، در عقود مبادله‌ای درگیر شدن دو طرف قرارداد با ریسک‌های مؤثر در سود و زیان شاید نیاز به قدری تأمل بیشتر داشته باشد و لذاست که برخی افراد دچار این تلقی اشتباه می‌شوند که عقود مبادله‌ای خالی از این ریسک‌ها هستند اما دقت نظر در این قراردادها مشخص می‌سازد که آنها هم برخی از این ریسک‌ها، از جمله ریسک تغییر قیمت را برای دو طرف قرارداد به ارمغان می‌آورند؛ برای مثال در قرارداد اجاره به شرط تملیک یا مرابحه، ریسک تغییر اجاره‌بها یا تغییر قیمت در خلال زمان پرداخت اقساط وجود دارد.

اختلاف مبنایی برشمرده‌شده در بالا یعنی اختلاف در پذیرش یا عدم پذیرش ریسک سود و زیان در دو نوع بانکداری^۱ که از ماهیت متفاوت آنها و الزام بانکداری اسلامی به ایجاد روابط بانکی مبتنی بر عقود شرعی، نشئت می‌گیرد، سبب می‌شود سپرده‌گذاران و اهالی بانکی (بانکداران) متشرعی که تمایلی به پذیرش این ریسک ندارند یا از سپرده‌گذاری و فعالیت بانکداری صرف نظر کرده و یا با صوری‌سازی رویه‌ها و اسلامی‌سازی غیرموجه فرایندها، کار خود را پیش برده و یا اساساً درگیر بانکداری و سپرده‌گذاری ربوی شوند. این مسئله سبب طرح این سؤال می‌شود که آیا به کمک سازوکار بیمه، می‌توان این مشکل را به نوعی برطرف نمود؟^۲ به عبارت دیگر، آیا ریسک سود و زیان موجود در عقود شرعی بانکی را می‌توان با

پذیرش ریسک نرخ بهره مطرح می‌باشد.

^۱ تأکید مجدد این موضوع مفید است که در طول مقاله، منظور از مشارکت در ریسک و سود و زیان تنها متوجه عقود مشارکتی نیست و عقود مبادله‌ای را هم شامل می‌شود.

^۲ البته این سازوکار را نباید با موضوع ضمانت سپرده‌ها اشتباه گرفت؛ زیرا ضمانت سپرده‌ها اساساً فعالیت بیمه‌گری نیست و تلقی آن به بیمه سپرده‌ها یک غلط مصطلح می‌باشد و اگرچه پرداختن به بحث ضمانت سپرده‌ها موضوع این مقاله نیست، اما در طی مقاله به‌طور مختصر در مورد آن صحبت خواهد شد. قابل ذکر است که مطالب متعددی هم در این زمینه در ادبیات مربوطه وجود دارد (ر.ک به: افشاری و همکاران،

سازوکار بیمه‌ای از سپرده‌گذاران و خود بانک اسلامی به شرکت بیمه منتقل کرد؛ یعنی شرکت بیمه با دریافت حق بیمه، این ریسک را به جای سپرده‌گذاران و بانک متحمل شده و آنها را در برابر این ریسک بیمه نماید؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد، سپرده‌گذاران متشرع و بانک اسلامی هم مانند سپرده‌گذاران و بانک متعارف، خواهند توانست با پوشش این ریسک توسط شرکت بیمه، از یک مازاد معین قطعی از پیش تعیین شده برخوردار شوند، بدون آنکه فعالیت ربوی اتفاق افتاده باشد؛ زیرا اگرچه اینها هم مانند سپرده‌گذاران متعارف و خود بانک متعارف ریسک سود و زیان را نپذیرفته‌اند، اما شرکت بیمه با دریافت حق بیمه، به‌طور کاملاً داوطلبانه و ارادی این ریسک را پذیرفته است و کم‌وکاستی‌های احتمالی در مازاد مورد نظر بانک و سپرده‌گذاران را در صورت تحقق این ریسک‌ها به بانک و سپرده‌گذاران پرداخت خواهد نمود و بدین ترتیب از یک سو همه بار تحمل ریسک بر عهده تسهیلات‌گیرندگان نیست و از سوی دیگر، سپرده‌گذاران و بانک اسلامی هم این ریسک را متحمل نشده‌اند.

اما مسئله مهمی که در این زمینه مطرح است و پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به آن می‌باشد، این است که آیا امکان بیمه‌کردن ریسک‌های خاص سپرده‌های سرمایه‌گذاری یعنی ریسک سود و زیان توسط شرکت‌های بیمه خصوصی وجود دارد؟ همچنین، در صورت اقدام به بیمه‌کردن، آیا شرکت‌های بیمه این توانایی را دارند که در صورت بروز بحران‌های بانکی به تعهدات خود عمل کنند؟ لذا این مقاله اگرچه در واقع یک مقاله در حوزه بیمه است اما نتیجه‌اش بر موضوعی در اقتصاد اسلامی تأثیر چشمگیر خواهد گذاشت. وجه مهمی که بر اهمیت اصلی بررسی این موضوع مترتب است، آن است که اگر اثبات شود اصول بیمه‌گری امکان بیمه سود سپرده‌ها را در عمل و کاربرد نمی‌دهد، دیگر بررسی این موضوع چندان مهم نخواهد بود که آیا بیمه سود سپرده‌ها به لحاظ نظری شرعی است یا خیر. به منظور پاسخگویی به سؤالات مطرح شده، با به‌کارگیری روش تحلیلی - توصیفی، ابتدا به مرور پیشینه تحقیق و مبانی نظری مرتبط با بحث بیمه سرمایه‌گذاری پرداخته می‌شود و در ادامه

سعی می‌شود مبتنی بر مبانی مطرح‌شده، به سؤالات پاسخ داده شود. این پاسخ‌ها پیامدهای خاصی را در ارتباط با الزامات شرعی تحقق بانکداری اسلامی در پی خواهد داشت.

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع اصلی تحقیق یعنی قابلیت بیمه نمودن ریسک سود و زیان در بانکداری اسلامی توسط شرکت‌های بیمه تحقیقی توسط نگارندگان مقاله یافت نشد؛ اما مرتبط‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده را می‌توان در سه حوزه الف) ریسک‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها و سپرده‌گذارانشان، ب) تعیین معیارهای بیمه‌پذیری ریسک‌ها و ج) ضمانت (بیمه ضمانت) سپرده‌های بانکی مورد اشاره قرار داد:

افشاری و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به تأثیر سیستم بیمه سپرده صریح بر وقوع بحران‌های بانکی در کشورهای در حال توسعه می‌پردازند. در این راستا آنها با به‌کارگیری مدل لاجیت چند متغیره و داده‌هایی از ۲۳ کشور در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ تلاش می‌کنند تأثیر سیستم بیمه سپرده بر بحران‌های بانکی را بررسی کنند. یافته‌های آنها حاکی از این است که سیستم بیمه سپرده صریح احتمال وقوع بحران بانکداری را افزایش می‌دهد.

دهدشتی شاهرخ و دیگران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «نوآوری برای بیمه کردن بیمه‌ناپذیرها»، به بررسی معیارهای بیمه‌پذیری در صنعت بیمه می‌پردازند. آنها در نهایت بیان می‌کنند که اصلاح شروط و ضوابط مرتبط، نوآوری، انتخاب ریسک و قیمت‌گذاری مناسب و منطقی بیمه، بیمه اتکایی و حمایت بخش دولت و همکاری مشترک بخش دولتی و خصوصی مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده بیمه‌پذیری ریسک‌های بیمه‌ناپذیر هستند.

مرتضی‌نیا و فلاح شمس (۱۳۹۱) در مطالعه خود به روش دلفی و تحلیل واریانس فریدمن به شناخت و اولویت‌بندی ریسک‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دارای فناوری پیشرفته نانو پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند که از بین سه دسته ریسک تجاری، ریسک مالی و ریسک سیاسی، ریسک‌های تجاری دارای بیشترین اهمیت هستند.

میرزاحانی و نوری (۱۳۹۲) در مطالعه خود، با استفاده از روش پیمایشی و مصاحبه، مهم‌ترین عوامل افزایش ریسک سرمایه‌گذاری صنعت در ایران را بررسی کرده‌اند. یافته‌های

آنها نشان می‌دهد که شاخص‌های کلان اقتصادی از قبیل تورم و نرخ ارز و ... بیشترین تأثیر را بر دامنه ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت دارند.

اسدی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای سعی کرده‌اند نواقص و ایرادات آیین‌نامه نحوه محاسبه و نظارت بر توانگری مالی مؤسسات بیمه و لحاظ کردن دقیق‌تر ویژگی‌های سری‌های زمانی مالی برای برآورد ارزش در معرض ریسک پرتفوی سرمایه‌گذاری (سهام شرکت‌های بورسی، حساب‌های ارزی و املاک و مستغلات) را برطرف نمایند. آنها در این پژوهش بیان می‌کنند که یکی از ریسک‌های مهم یک شرکت بیمه، ریسک بازار ناشی از سرمایه‌گذاری است و با استفاده روش‌های آماری ضریب ریسک بازار را ۹.۴۰۳ به دست می‌آورند. این ضریب نشان از اهمیت ریسک حاضر در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکت بیمه دارد.

علومی و حاج محمدجعفر (۱۳۹۶) در مطالعه خود به بررسی ریسک‌های حاصل از فعالیت سرمایه‌گذاری در قراردادهای حفاری دریایی و امکان پوشش بیمه‌ای ریسک‌های آن می‌پردازند و بیان می‌کنند که مهم‌ترین روش مدیریت ریسک قراردادهای حفاری بیمه است. آنها با بررسی و مقایسه ریسک ناشی از سیلان و فوران در حفاری با توجه به معیارهای بیمه‌پذیری بیان می‌کنند که ریسک فوران خارج از معیارهای بیمه‌پذیری است.

امیری و توفیقی (۱۳۹۶) هم به بررسی الزامات وجود بیمه سپرده و ارتباط آن با مقاومت بانکی در ایران پرداخته و با استفاده از داده‌های پانل مربوط به ۱۲ بانک خصوصی در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهند که به‌طور متوسط بین بیمه سپرده و معیارهای مقاومت بانکی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

کوربیچ و لیدکی (Courbage & Liedtke, 2007) در مقاله‌ای به ریسک‌های بیمه‌ناشدنی می‌پردازند و اینکه چگونه می‌توان توان بیمه‌کردن چنین ریسک‌هایی را بالا برد. این ریسک‌ها ریسک‌های با شدت و تواتر خیلی بالا یا خیلی پایین هستند.

دوئرتی و موئرمان (Doherty & Muermann, 2005) در پژوهش خود چگونگی بیمه‌پذیری ریسک‌های شناخته‌شده و شناخته‌نشده را بررسی می‌کنند. آنها با تعیین معیارهای بیمه‌پذیری قابلیت پیش‌بینی، قابل اندازه‌گیری، همبستگی کم، خطر اخلاقی کم و اطلاعات متقارن، نشان می‌دهند که در صورت مهیا نبودن ویژگی‌های نام‌برده خطرهای پیش‌بینی‌نشده،

۱۰۵

قابلیت بیمه‌پذیری ندارند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که بیمه‌گران اغلب به دلایل سیاستی و کسب سود بیشتر اقدام به بیمه‌کردن بیمه‌ناپذیرها می‌کنند. کیول و دیگران (Cull & et al, 2005) در پژوهش خود تأثیر بیمه سپرده را بر توسعه مالی و ثبات بخش بانکی را بررسی می‌کنند. آنها در مقاله خود بحث می‌کنند که بانک‌های تجاری ممکن است به دلیل حمایت دولتی سپرده‌ها به انجام فعالیت‌های پرخطر (مخاطرات اخلاقی) پردازند. شواهد تجربی نشان‌دهنده تأثیر منفی بیمه سپرده بر توسعه مالی و رشد در طولانی مدت دارد؛ به‌جز کشورهایی که از حاکمیت قانونی خوبی برخوردارند.

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / بررسی قابلیت پرداخت سود ثابت ...

نگوین (Nguyen, 2013) در مطالعه‌ای بیان می‌کند که توانایی بیمه برای رفاه و رشد جامعه ضروری است؛ اما سؤالی که در این زمینه وجود دارد این است که چه ویژگی‌هایی لازم است تا یک ریسک با عدم اطمینان بالا و خسارات فاجعه‌بار توسط مؤسسات بیمه خصوصی قابلیت بیمه‌شدن را داشته باشد. وی با بررسی خطرات مربوط به حوادث زیست‌محیطی فاجعه‌آمیز توضیح می‌دهد که حوادث طبیعی با ریسکی با تواتر پایین و شدت بالا سبب امکان بیمه‌پذیری توسط بخش خصوصی را ندارند؛ چراکه حق بیمه بالا است؛ بنابراین در چنین مواردی باید ترکیبی از اقدامات، شامل جلوگیری از وقوع خطرات در مرحله اول و در مرحله بعدی بیمه‌کردن خسارات نادر و فاجعه‌آمیز به صورت ترکیبی توسط دولت و بخش خصوصی صورت گیرد.

بینرو همکاران (Biener & et al, 2014) در پژوهش خود به بررسی کفایت بیمه برای مدیریت ریسک تلفات سایبری پرداخته‌اند. در این مقاله با استفاده از داده‌های مربوط به ۹۹۴ مورد تلفات سایبری، ریسک‌های ناشی از این تلفات با معیارهای ریسک‌پذیری ارزیابی شده‌اند. یافته‌های آنها حاکی از این است که ویژگی خطرات سایبری در مقایسه با سایر خطرات عملیاتی، ضررهای به‌هم‌پیوسته و ... موجود در این صنعت، مانع از توسعه بازار بیمه پایدار برای این خطرات می‌شود.

کریگر و دمیریت (Krieger & Demeritt, 2015) در مطالعه خود محدودیت‌های بیمه‌پذیری ریسک‌های خاص مانند سیل در آلمان و انگلیس را بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که ترکیب بیمه دولتی و خصوصی، شرایط بازار و استفاده از تجربیات

گذشته آن، امکان شکل‌گیری بیمه خصوصی برای مدیریت ریسک ناشی از خسارت حوادثی از قبیل سیل را فراهم می‌کند.

۲. مبانی نظری

اکنون نوبت آن است که مبانی نظری موضوع پژوهش به عنوان یک بحث ابتدایی ارائه گردد تا سؤالات تحقیق بر پایه این مبانی پاسخ داده شود. بدین منظور، این مبانی در قالب دو بخش «مبانی بیمه‌پذیری ریسک‌ها» و «مبانی پذیرش ریسک در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی» در ادامه تبیین می‌شود:

۲-۱. بیمه‌پذیری ریسک‌ها

امروزه صنعت بیمه نقش چشمگیری در اقتصاد ایفا می‌کند. مهم‌ترین کارکرد بیمه مکانیسم انتقال ریسک است. بیمه یکی از مهم‌ترین روش‌های انتقال ریسک محسوب می‌شود و طرف عمده بسیاری از برنامه‌های مدیریت ریسک می‌باشد. طبق ماده ۱ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶، «بیمه» عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. ویلیامز و هینز (۱۳۸۵، ص ۳۵۲) بیان می‌کنند که بیمه می‌تواند از دو دیدگاه تعریف شود: اول، بیمه پوششی است در مقابل خسارت مالی که به وسیله بیمه‌گر ارائه می‌شود؛ دوم، بیمه یک ابزاری است که به وسیله آن ریسک دو یا چند نفر یا شرکت از طریق مشارکت واقعی یا تعهدشده برای پرداخت زیان، ترکیب می‌شود.

هر ریسکی در هر زمانی قابل بیمه‌شدن نیست؛ لذا در یک دسته‌بندی کلی ریسک‌ها به دو دسته بیمه‌پذیر و بیمه‌ناپذیر تقسیم می‌شوند. برای درک بهتر این موضوع لازم است مهم‌ترین ویژگی‌های ریسک‌های بیمه‌پذیر را مرور کنیم:

الف) ایستابودن ریسک

ریسک‌های ایستا آن دسته ریسک‌هایی هستند که از تغییر و تحولات اقتصادی ناشی نشده و ارتباطی با متغیرهای اقتصادی ندارند؛ طوری که حتی اگر اقتصاد از ثبات کامل برخوردار بوده و هیچ متغیر اقتصادی همچون ذائقه مصرف‌کنندگان، درآمد، مخارج و سطح فناوری هم تغییر نکند، باز وجود دارند و افراد را دچار خسارت مالی می‌کنند؛ یعنی این خسارات ناشی

از عللی غیر از علل اقتصادی هستند همانند آتش‌سوزی، سیل و سوانح رانندگی (Vaughan, Emmett & Vaughan, 2013, p.9).

ب) خالص بودن ریسک

ریسک‌های خالص خطراتی هستند که نتیجه آن فقط دو حالت زیان و عدم زیان می‌باشد. برای مثال در ریسک آتش‌سوزی ساختمان، یا ساختمان دچار حریق شده و آسیب می‌بیند و وضعیت مالک آن بد می‌گردد و یا آنکه آتش‌سوزی اتفاق نمی‌افتد و در نتیجه، خسارتی به بار نمی‌آید (صالح ترکستانی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۴/ کریمی، ۱۳۸۶، ص ۶۲)؛ به عبارت دیگر ریسک‌های خالص ریسک‌هایی هستند که اگر تحقق نیابند، نه سودی حاصل می‌شود و نه زیانی؛ اما اگر تحقق یابند حتماً زیان حاصل می‌شود؛ بنابراین بدون شک همه افراد تمایل دارند که در معرض چنین ریسک‌هایی قرار نگیرند و تلاش می‌کنند که از آنها فرار کنند. در مقابل، مهم‌ترین ویژگی‌های ریسک‌های بیمه‌ناپذیر عبارت‌اند از:

الف) پویا بودن

ریسک‌های پویا آن دسته از خطرهایی هستند که از تغییرات اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم مانند تغییرات در سطوح قیمتی، تغییر ذائقه مصرف‌کنندگان، تغییرات درآمدی و هزینه و تغییر فناوری ناشی می‌شوند (Vaughan, Emmett & Vaughan, 2013, p.9).

ب) سوداگرانه بودن ریسک

ریسک‌های سوداگرانه خطراتی هستند که به صورت داوطلبانه و به امید کسب سود تقبل می‌شوند. در این ریسک‌ها شخص انتظار سود از عملیات خود را دارد. در اینجا سه احتمال سود، زیان و حالت سر به سر ناشی از این ریسک‌پذیری متصور می‌باشد (صالح ترکستانی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۴/ کریمی، ۱۳۸۶، ص ۶۲)؛ برای مثال، در امور بازرگانی فرد ریسک خرید و فروش را عامدانه می‌پذیرد تا سود کند؛ اما ممکن است به نقطه نه سود و نه زیان برسد یا حتی زیان کرده و در بدترین حالت، ورشکست شود؛ به عبارت دیگر، ریسک‌های سوداگرانه ریسک‌هایی هستند که اگر محقق نشوند سود و زیانی از بابت آنها حاصل نمی‌شود؛ اما اگر محقق شوند نتیجه آن ممکن است زیان باشد یا اینکه سود به دست آید؛ برای مثال ریسک نرخ ارز یک ریسک سوداگرانه است؛ یعنی با افزایش و یا کاهش آن، اثرات معکوسی به جهت سود و زیان متوجه کسب‌وکارهای مرتبط می‌شود.

اینکه چرا ریسک‌های پویا و سوداگرانه قابلیت بیمه‌شدن را ندارند، اما ریسک‌های ایستا و خالص بیمه‌پذیرند، خودش ریشه در برخی ویژگی‌های صنعت بیمه دارد. شرکت‌های بیمه برای عرضه یک محصول بیمه‌ای باید بتوانند ریسک مورد نظر را ارزش‌گذاری مالی نمایند تا بدین ترتیب امکان تعیین حق بیمه مناسب فراهم شود؛ اما لازمه این کار تعیین احتمال وقوع حادثه و میزان خسارت‌های وارده در صورت وقوع است (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۶۷). بدین منظور ریسک باید همگن باشد؛ یعنی ریسکی باشد که به‌طور کاملاً مشابه، به دفعات، در گذشته به وقوع پیوسته باشد؛ همچنین، فراوانی وقوع این ریسک در گذشته باید به قدری باشد که از طریق قانون اعداد بزرگ بتوان قاعده‌مندی حاکم بر احتمال وقوعش را به دست آورد؛ یعنی بتوان احتمال وقوع چنین پیشامدی در آینده را از روی الگوی تحقق آن در گذشته تعیین نمود؛ چراکه در غیر این صورت، به جهت ارزیابی احتمال وقوع خسارت یا عدم خسارت، شرایطی شبیه نقش شانس در شرط‌بندی و قمار پیش می‌آید.

دیگر ویژگی لازم برای عرضه یک محصول بیمه‌ای آن است که ریسک مورد نظر خاص باشد. ریسک‌های خاص خطرهایی هستند که در صورت وقوع روی فرد یا گروه کوچکی از مردم تأثیر می‌گذارد؛ مانند ریسک سرقت یا آتش‌سوزی منازل و سوانح رانندگی. در این صورت جبران خسارت آنها در توان صنعت بیمه خواهد بود (Vaughan, Emmett & Vaughan, 2013, p.9)؛ بنابراین یک شرکت بیمه محصول بیمه‌ای را عرضه خواهد کرد که ریسک مربوطه خاص و همگن بوده و به تناوب در گذشته اتفاق افتاده باشد. این ویژگی‌های بیمه‌گری و برخی ویژگی‌های اضافه بر اینها، مورد اشاره سایر متخصصان هم بوده است. برای مثال ویلیامز و هینز (۱۳۸۵) بیان می‌دارند که شرایط زیر باید قبل از بیمه‌کردن ریسک وجود داشته باشد:

- تعداد زیادی از واحدهای مستقل در گذشته در معرض ریسک بوده باشند. این الزام از قانون اعداد بزرگ ناشی می‌شود؛ چون عملیات بیمه فقط هنگامی صحیح است که بیمه‌گر قادر باشد به‌طور نسبتاً دقیق خسارات مورد انتظار (متوسط خسارات) را پیش‌بینی نماید. برای انجام یک برآورد منطقی یا قابل قبول از خسارات مورد انتظار، واحدهای زیادی باید در گذشته در معرض خسارت قرار گرفته باشند. به‌طور ایدئال واحدهای در معرض خسارت بیمه‌شده نباید خیلی ناهمگون باشند. آنها باید با

احتمال رخداد مشابه مواجهه بوده و شدت بالقوه مشابهی داشته باشند. هرچقدر که انحراف در بین واحدهای در معرض ریسک از نظر احتمالات رخداد و حجم خسارات بالقوه بیشتر باشد بیمه‌گر باید واحدهای بیشتری را برای دستیابی به درجه معینی از دقت در برآورد تجربه خسارتی آینده داشته باشد.

- خسارت باید محدود باشد یا برحسب زمان، مکان، علت و مقدار مشخص باشد در غیر این صورت مسائل تصفیه خسارت به وجود می‌آید؛ چون تحت یک قرارداد معین خسارت باید در زمان و مکان معینی اتفاق بیفتد و بر اثر خطر تحت پوشش حادث شود و با توجه به شرایط بیمه‌نامه قابل اندازه‌گیری باشد.
- خسارت مورد انتظار در طول یک دوره عملیات متعارف باید قابل محاسبه باشد. این شرایط در صورتی که حق بیمه‌ها در یک سطح ضروری برای ایجاد سود یا حاشیه عملیاتی برای بیمه‌گر محاسبه شده باشند، ضروری است.
- خسارت از دیدگاه بیمه‌گذار باید اتفاقی و تصادفی باشد. از دیدگاه شرکت، بیمه‌کردن یک شخص در مقابل خسارت عمدی کاملاً غیرعقلانه است؛ همچنین بیمه‌کردن خساراتی که رخداد آنها قطعی است نظیر استهلاک یا خساراتی که به‌راحتی قابل پیشگیری هستند، غیرعقلانه است.

همچنین بر اساس نظریات برلاینر (Berliner, 1982) ۹ معیار بیمه‌پذیری به شرح جدول

زیر می‌باشد:^۱

جدول شماره ۱: معیارهای بیمه‌پذیری

الزامات	معیارهای بیمه‌پذیری	
مستقل	تصادفی بودن وقوع خسارت	آماري
قابل مدیریت	حداکثر خسارت	
میان‌ه‌رو	خسارت متوسط (شدت)	

^۱ برای مطالعه بیشتر رک به: Eling & Kraft, 2015 /Wirfs, Eling, & Biener, 1985 & 1986 /Berliner, 1982.

بالا	فراوانی خسارت	
خطر اخلاقی و انتخاب نامساعد زیاد نباشد.	عدم تقارن اطلاعاتی	
مناسب و قابل خرید	حق بیمه	بازار
قابل قبول	محدودیت پوشش بیمه	
سازگار با ارزش اجتماعی	سیاست عمومی	اجتماعی
مجازی بودن پوشش	محدودیت قانونی (محدودیت‌های پوششی)	

وی معتقد است که برای هر ریسک، در صورتی که حتی یکی از این موارد بالا تأمین نشود، ریسک بیمه‌پذیر تلقی نمی‌شود.

رجدا (Rejda, 2014) هم شش شرط را برای قابلیت بیمه‌پذیری ریسک‌ها توسط شرکت‌های بیمه خصوصی بیان می‌کند:

- باید تعداد زیادی از واحدهای مواجه با ریسک وجود داشته باشد.
- ضرر باید اتفاقی و غیر عمدی باشد.
- ضرر باید قابل تعیین و اندازه‌گیری باشد.
- ضرر نباید فاجعه‌بار باشد.
- احتمال ضرر باید محاسبه شود.
- حق بیمه باید اقتصادی باشد.

این مبانی بیمه‌پذیری در بخش‌های بعدی محور تحلیل موضوع مقاله خواهند بود.

۲-۲. مبانی پذیرش ریسک در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی

همان‌طور که در مقدمه آمد، در بانکداری متعارف رابطه بین بانک و سپرده‌گذاران از یک‌سو و بانک و تسهیلات‌گیرندگان از سوی دیگر، رابطه قرض با بهره است که از نظر اسلام ربا محسوب می‌شود. ویژگی قرارداد قرض ربوی آن است که قرض‌دهنده در زمان مشخصی اصل و بهره از پیش تعیین‌شده‌ای را به‌طور قطع از قرض‌گیرنده دریافت کرده و لذا ریسک نقصان در اصل و یا فرع وجه قرض داده شده را به هیچ‌عنوان و دلیلی بر عهده نمی‌گیرد؛ اما

در بانکداری اسلامی با تکیه بر درگیر شدن مستقیم وجوه سپرده‌گذاری شده در فعالیت‌های اقتصادی از کانال عقود شرعی، پای ربا از این سپرده‌ها قطع می‌شود؛ به عبارت دیگر، بانک اسلامی پول سپرده‌گذاری شده را به وکالت از سپرده‌گذاران - در مدل ایران - و یا به اصالت و در قالب مدل‌های موازی جعاله، مضاربه و ... - در سایر کشورهای اسلامی^۱ - از کانال عقود مالی شرعی در اختیار تسهیلات‌گیرندگان قرار می‌دهد. بر این اساس، طرفین عقود مالی شرعی - اعم از عقود مبادله‌ای و مشارکتی - با ریسک سود و زیان مواجه‌اند؛ چراکه همه عقود مبادله‌ای و مشارکتی به‌طور مستقیم با انواع ریسک‌های سرمایه‌گذاری و بازار درگیر خواهند شد؛ طوری که سود سپرده‌ها تحت تأثیر انواع این ریسک‌ها قرار خواهد گرفت؛ برای مثال در تسهیلات مرابحه، بانک علاوه بر اینکه با ریسک اعتباری مواجه است، به تبع این ریسک، با ریسک نقدینگی هم مواجه است؛ زیرا در مورد بخشی از منابع بانک که از محل سپرده‌هاست، سپرده‌گذاران می‌توانند به بانک مراجعه کرده و سپرده خود را مطالبه کنند. لذا ریسک اعتباری محقق‌شده سبب ناتوانی بانک در پرداخت به سپرده‌گذاران شده و ریسک نقدینگی محقق می‌شود؛ اما در ربا همه ریسک‌های دخیل در سود و زیان بر عهده

^۱ در این مدل، بانک از یک‌سو با سپرده‌گذار وارد یک قرارداد سرمایه‌گذاری عام یا خاص (شامل یکی از عقود اسلامی مشارکتی و یا مبادله‌ای) می‌شود؛ طوری که بانک، طرف حساب و معامله سپرده‌گذار و متعهد به او می‌باشد و از سوی دیگر، بانک یک قرارداد اسلامی مشخص دیگر با تسهیلات‌گیرنده می‌بندد و به‌طور مستقل از سپرده‌گذار، طرف حساب و معامله با او (تسهیلات‌گیرنده) می‌شود و بین سپرده‌گذار و تسهیلات‌گیرنده هیچ ارتباط حقیقی مستقلی وجود ندارد. در راستای مدل بانکداری قراردادهای موازی محققانی مانند زیشان فرخ (Zeeshan Farrukh, 2015)، خان و احمد (Khan & Ahmed, 2007) و علی‌ال‌فجاجوی (Ali al-Fijawi, 2016) به قراردادهای موازی همچون سلم موازی، استصناع موازی و مرابحه موازی اشاره کرده‌اند. تفاوت این مدل با مدل وکالتی در این است که در این مدل، وجه واسطه مالی بودن بانک نمود کاملی دارد؛ برخلاف مدل وکالت که بانک تنها نمایندگی از سپرده‌گذاران را دارد و با توجه به اینکه امین آنها محسوب می‌شود، گویی کارگزار سپرده‌گذاران است و نه واسطه‌ای که بین دو طرف سپرده‌گذاران و متقاضیان تأمین مالی قرار می‌گیرد و در قبال هر دو طرف مسئولیت دارد؛ مگر اینکه بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران بخواهد به موکلانش ضمانت بدهد که این کار، توجیه فقهی و حقوقی ندارد (موسویان، ۱۳۸۸).

قرض‌گیرنده بوده و قرض‌دهنده نهایتاً با ریسک‌های مالی خاص نهادهای مالی واسطه‌ای مانند ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک نرخ بهره مواجه است و ریسک سرمایه‌گذاری، ریسک تغییر قیمت محصول یا عوامل تولید و امثال آن را بر عهده نمی‌گیرد؛ لذا بسیاری از صاحب‌نظران مالی اسلامی مانند چودری و حسین (Choudhury & Hussain, 2005, p.203) مهم‌ترین وجه تمایز بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف ربوی را مشارکت بانک و سپرده‌گذاران در ریسک‌های سود و زیان و به‌ویژه ریسک سرمایه‌گذاری و یا ریسک تغییر قیمت‌ها و نرخ‌های مندرج در این عقود می‌دانند.^۱ علاوه بر این، با توجه به اینکه آموزه‌های اسلامی روابط ربوی را ظالمانه دانسته و به جای آن، قراردادهای مالی جایگزینی معرفی می‌کنند که تفاوت مالی - اقتصادی آنها با ربا، در تسهیم سود و زیان و پذیرش ریسک آن تشخیص داده می‌شود، بدون وجه نخواهد بود که حکمت ظالمانه بودن ربا را در عدم مشارکت در سود و زیان و تسهیم ریسک آن استنباط کرد. توجه به این موضوع سبب شده است که برخی متخصصان مالیه اسلامی مانند فصیح (Fasih, 2012, p.104)، اکبر و همکاران (Akbar et al, 2012, p.359) و علم‌الهدی (۱۳۹۷، ص ۷۵) هم ظلم موجود در قراردادهای ربوی را به همین خصیصه عدم مشارکت در سود و زیان منتسب کنند و بانکداری اسلامی را به دلیل واجد بودن این ویژگی، برخلاف بانکداری متعارف، عادلانه بیندارند. البته موسویان و علیزاده اصل (۱۳۹۴، ص ۷۷) عدم مشارکت در سود و زیان در قرارداد ربوی را حکمت اقتصادی تحریم ربا دانسته‌اند.

بنابراین، پذیرش ریسک سود و زیان و تسهیم سود و زیان و عدم تحمیل این ریسک صرفاً بر تأمین مالی شونده، در بانکداری اسلامی موضوعیت دارد. اهمیت این مسئله بارزتر می‌گردد با دقت نظر در این موضوع که ریسک‌های دخیل در سود و زیان از جمله ریسک سرمایه‌گذاری و تغییر قیمت را باید حتماً پذیرفت و نمی‌شود مانند ریسک نکول از آنها

^۱ قابل ذکر است که این وجه تمایز اصلی بانکداری اسلامی و متعارف مورد اشاره صاحب‌نظران بسیار دیگری هم بوده است (از جمله: Turk Ariss & et al, 2014/ Abdual Karim & et al, 2014/ Zins & Weill, 2017 /Sarieedine, 2007).

اجتناب کرد؛ زیرا در بسیاری از مواقع، منشأ این ریسک‌ها سامانمند می‌باشد؛ برخلاف ریسک نکول که غالباً غیر سامانمند به وجود آمده و با اقدامات احتیاطی نظیر اخذ وثیقه مناسب یا اخذ ضامن معتبر می‌توان آن را به صفر نزدیک کرد. در نتیجه، امکان‌سنجی این موضوع بسیار حائز اهمیت است که آیا می‌شود شرکت‌های بیمه با دریافت مبلغی به عنوان حق بیمه، اجبار پذیرش ریسک سود و زیان را از طرف تأمین مالی کننده بردارند و این ریسک را به جای طرف تأمین مالی کننده بپذیرند.^۱ در این صورت، هم بار تحمل ریسک تنها بر طرف تأمین مالی شونده قرار نگرفته و هم سپرده‌گذاران و بانک آن ریسک‌ها را نپذیرفته‌اند و در نتیجه، هم قرارداد ربوی نیست و هم آنها از سود ثابت خالی این ریسک‌ها برخوردارند. این موضوع در ادامه بررسی خواهد شد.

۳. امکان‌سنجی بیمه سپرده‌ها

همان‌طور که بیان شد، در بانکداری بدون ربای ایران، بانک سپرده‌های سرمایه‌گذاری را به وکالت از سپرده‌گذاران در قالب قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی در کسب و کارهای حقیقی وارد می‌کند و از سود احتمالی آن، پس از کسر حق‌الوکاله خود، مازاد احتمالی را به سپرده‌گذاران می‌پردازد؛ بنابراین سپرده‌ها از جانب بانک مستقیماً وارد فرایند کسب و کار، سرمایه‌گذاری، ساخت و تولید، خرید و فروش و امثال آن می‌شوند و لذا ریسک سود و زیان، برخلاف روند موجود در بانکداری متعارف، متوجه این سپرده‌هاست؛ بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که آیا امکان انتقال داوطلبانه و ارادی این ریسک به شرکت بیمه وجود دارد؛ طوری که خیال بانک و سپرده‌گذاران از بابت این ریسک راحت شده و امکان پرداخت یک نرخ ثابت و مشخص و از پیش تعیین‌شده سود به سپرده‌گذاران، تقریباً مشابه بانکداری متعارف، فراهم گردد؟ برای پاسخگویی به این سؤال، بررسی قابلیت بیمه‌پذیری تنها برخی

^۱. شایان توجه است که اگرچه امروزه در بانکداری بدون ربای ایران، با سازوکارهای فقهی همچون مصالحه بر سود علی‌الحساب، بدون نیاز به سازوکارهای بدیلی شبیه بیمه سپرده، عملاً این ریسک تنها بر تسهیلات‌گیرندگان تحمیل شده و از دوش بانک و سپرده‌گذاران برداشته شده است، به کارگیری چنین سازوکارهایی در این موضوع، مورد خدشه شرعی جمع‌کنندگی از صاحب‌نظران مالی اسلامی قرار گرفته است.

از مهم‌ترین ریسک‌های دخیل در میزان سود و زیان سپرده‌های بانکی کفایت می‌کند و لذا در ادامه به بررسی امکان بیمه‌پذیری ریسک نرخ ارز، ریسک قیمت سهام و ریسک قیمت کالا پرداخته می‌شود.

بنا بر آنچه در قسمت مبانی نظری آمد، ریسک‌هایی قابلیت بیمه‌شدن را دارند که:

- ایستا باشند نه پویا؛
- خالص باشند نه سوداگرانه؛

لذا لازم است ریسک‌های بالا را از این جهات بررسی کرد. نتایج بررسی‌ها در جدول ۱

آمده است:

وضعیت	معیارهای بیمه‌ناپذیری	وضعیت	معیارهای بیمه‌پذیری	نوع ریسک
*	پویا		ایستا	ریسک نرخ ارز
*	سوداگرانه		خالص	
*	پویا		ایستا	ریسک قیمت سهام
*	سوداگرانه		خالص	
*	پویا		ایستا	ریسک قیمت کالا
*	سوداگرانه		خالص	

لذا این ریسک‌ها به لحاظ بیمه‌پذیری، قابلیت بیمه‌شدن توسط شرکت‌های بیمه را ندارند؛ اما همان‌طور که در مبانی ذکر شد، ویژگی‌های دیگری دخیل هستند در اینکه یک ریسک پویا و یا سوداگرانه قابلیت بیمه‌شدن را دارا نباشد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- خاص بودن؛
- همگن بودن؛

وجود یا عدم این ویژگی‌ها در ریسک‌های مورد بررسی در جدول ۲ قابل مشاهده است:

نوع ریسک	معیارهای بیمه پذیری	وضعیت	معیارهای بیمه ناپذیری	وضعیت
ریسک نرخ ارز	همگن		غیر همگن	*
	خاص		عام	*
ریسک قیمت سهام	همگن		غیر همگن	*
	خاص		عام	*
ریسک قیمت کالا ^۱	همگن		غیر همگن	*
	خاص		عام	*

برای ریسک‌های نرخ ارز، قیمت سهام و قیمت کالا برآورد احتمال وقوع و برآورد میزان خسارات احتمالی وجود ندارد؛ زیرا این ریسک‌ها همگن نیستند و در نتیجه، امکان ارزش‌گذاری مالی این ریسک‌ها وجود ندارد. این مسئله در سایر ریسک‌های پویا هم صدق می‌کند. علاوه بر این، حتی در صورت امکان ارزش‌گذاری مالی این ریسک‌ها، به دلیل عام بودن آنها، حق بیمه محاسبه شده، آن قدر بالا خواهد بود که نفع بیمه‌ای برای بیمه‌گذار به همراه نداشته و محصول بیمه‌ای مورد نظر حتی در صورت قابلیت عرضه، متقاضی نخواهد داشت.

علاوه بر ویژگی‌های بالا، مشخصه‌های دیگری هم برای امکان بیمه کردن یک ریسک توسط شرکت بیمه، از نظر متخصصان صنعت بیمه ضروری دانسته شده است؛ لذا بررسی وجود یا عدم این مشخصه‌ها هم در ریسک‌های مزبور از اهمیت بالایی برخوردار است. خلاصه این بررسی در جدول ۳ قابل مشاهده است:

^۱. بانک‌های اسلامی در نتیجه انجام قراردادهای مباحه و مباحه و کالتی غیرتعهدی، در معرض ریسک قیمت کالا قرار دارند. ریسک قیمت کالا ناشی از این دو نوع قرارداد زمانی رخ می‌دهد که مشتری توافق برای خرید دارایی از بلنک را بر هم زند و بلنک نیازی به فروش دارایی‌های خود پیدا کند. چنانکه قیمت بازار دارایی پایین‌تر از قیمت واقعی آن باشد، ممکن است بانک با زیان روبه‌رو شود (Greuning & Iqbal, 2008, p.157).

ویژگی ریسک	معیار بیمه‌پذیری	ریسک نرخ ارز	ریسک قیمت سهام	ریسک قیمت کالا
آماري	تصادفی بودن وقوع خسارت			
	مستقل بودن از سایر ریسک‌ها			
	قابلیت مدیریت حداکثر خسارت	✓	✓	✓
	متوسط بودن شدت خسارت	✓	✓	✓
	فراوانی بالا وقوع ریسک در گذشته	✓	✓	✓
	عدم تقارن اطلاعاتی کم	✓		
بازاری	حق بیمه قابل خرید			
	سطح پوشش قابل قبول			
اجتماعی	سازگار با ارزش‌های اجتماعی	✓	✓	✓
	عدم منع قانونی	✓	✓	✓

این ریسک‌ها به دلیل سوداگرانه بودن، به صورت ارادی و غیرتصادفی توسط فرد پذیرفته می‌شوند؛ حال آنکه صنعت بیمه ریسکی را بیمه می‌کند که کاملاً تصادفی ایجاد شود و نه اینکه یک فرد به صورت داوطلبانه به استقبال آن برود. از سوی دیگر، این ریسک‌ها به یکدیگر و به ریسک‌های دیگری همچون ریسک اعتباری، وابستگی متقابلی دارند و لذا قابلیت بیمه شدن ندارند؛ زیرا ریسک‌هایی بیمه می‌شوند که از بقیه ریسک‌ها مستقل بوده و احتمال وقوع آنها به احتمال وقوع ریسک‌های دیگر وابسته نباشد؛ همچنین اطلاعات مربوط به قیمت سهام و قیمت کالا برای بیمه‌گر و بیمه‌گذار می‌تواند بسیار متفاوت بوده و عدم تقارن اطلاعاتی زیادی را ایجاد کند که مطلوب بیمه‌گر نیست. در نهایت، فراگیری و عام بودن ریسک‌های بالا، سبب می‌شود در صورت تصمیم یک شرکت بیمه به ارائه محصول بیمه‌ای

مرتبط، احتمالاً حق بیمه بالایی تعیین شود که برای بیمه‌گذارها به صرفه نیست و لذا تمایل چندانی به تقاضا برای این محصولات بیمه‌ای وجود نخواهد داشت. در اینجا ذکر این نکته مفید است که ممکن است چنین به نظر برسد که سابقه بانک در به‌کارگیری سپرده‌ها و کسب درآمد سبب ایجاد یک سابقه در مقدار کسب سود سپرده شده و شرکت بیمه را در پیش‌بینی سود و ارائه محصول بیمه‌ای یاری دهد و لذا مشکلی برای بیمه‌کردن سپرده‌ها وجود نخواهد داشت؛ اما این‌طور نیست زیرا وجود سابقه در به‌کارگیری سپرده‌ها برای برطرف کردن مشکلات مطرح در بالا کافی نیست و همچنان همان مخاطرات مربوطه وجود خواهد داشت.

۳-۱. تجربه شرکت بیمه AIG (American International Group)

با توجه به مباحث قسمت قبل، بر اساس اصول علمی-منطقی صنعت بیمه‌گری، امکان بیمه‌کردن ریسک سود و زیان سپرده‌های سرمایه‌گذاری برای یک شرکت بیمه وجود ندارد؛ اما اگر یک شرکت بیمه به هر دلیلی تصمیم به عرضه محصولات بیمه‌ای مرتبط با این ریسک بگیرد، یا باید حق بیمه بسیار بالایی را مطالبه کند تا امکان انجام تعهدات برایش فراهم گردد که در این شرایط، تقاضای کافی برای این محصولات متصور نیست - به دلیل عدم صرفه اقتصادی برای بیمه‌گذارها که همان بانک‌ها و سپرده‌گذاران باشند - یا در صورت عرضه محصولات با حق بیمه مناسب - برای بیمه‌گذارها - در صورت تحقق این ریسک، عدم توانایی در عمل به تعهدات، بسیار محتمل خواهد بود؛ به عبارت دیگر ممکن است یک شرکت بیمه مثلاً به دلیل اعتقاد به دوام شرایط رونق در اقتصاد، احتمال کساد و رکود را منتفی دانسته و لذا بیمه‌کردن ریسک زیان را حتی با حق بیمه‌های به نسبت پایین، سودآور تشخیص دهد. در نتیجه، این شرکت برخلاف اصول بیمه‌گری اقدام به عرضه محصولات بیمه‌ای مرتبط می‌نماید. در چنین شرایطی، مادام که اقتصاد در رونق و شکوفایی قرار دارد، هیچ مشکلی نه برای بیمه‌گر و نه برای بیمه‌گذاران پدید نمی‌آید؛ اما در صورت بروز رکود به نسبت شدید، احتمال ورشکستگی شرکت بیمه بالاست و در نتیجه، هم بیمه‌گر و هم بیمه‌گذاران، هر دو، متحمل خسارت شدید می‌شوند. در تبیین این موضوع، مطالعه شرکت بیمه AIG در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۸ مناسب به نظر می‌رسد؛ اگرچه که این شرکت

هیچ‌گاه بانک و یا سپرده‌گذاران بانکی را بیمه نکرد و اینکه ریسک بیمه‌شده توسط این شرکت هم ریسک سود و زیان نبود.

بحران مالی سال ۲۰۰۸ از آنجا منشأ یافت که بانک‌های آمریکا توانستند حق دریافت اصل و فرع وام‌های مسکن رهنی بلندمدت خود را به کمک نوآوری مالی و ساخت اوراق بهادار جدیدی به نام «اوراق بهادار متکی به وام‌های رهنی» (MBS Mortgage-Backed Securities) و «تعهدات بدهی‌های وثیقه‌دار» (CDO Collateralized Debt Obligations) به سرمایه‌گذاران مالی بفروشدند. در اینجا بود که مؤسسات مالی دیگری پیدا شدند که با نوآوری مالی دیگر و معرفی اوراق بهادار جدید دیگری به نام «سوآپ نکول اعتباری» (CDS Credit Default Swap)، صاحبان MBS و CDO را در ازای دریافت مبالغی در برابر نکول تعهدات فروشندگان این اوراق یعنی بانک‌ها تعهد نمودند که مهم‌ترین این مؤسسات مالی، بزرگ‌ترین شرکت بیمه دنیا یعنی شرکت AIG بود.

بحران مالی ۲۰۰۸ از میانه سال ۲۰۰۷ و در پی سقوط نکول وام‌های رهنی آغاز شد و در اثر تحقق ریسک‌های سیستمی حاصل از ریسک‌پذیری افراطی بازارهای مالی به سرعت به بازار اوراق MBS، CDO و CDS سرایت کرد و آنها را در آستانه سقوط قرارداد (گریجی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۱). بدین ترتیب، شرکت AIG رو به ورشکستگی نهاد و لذا مقامات دولت آمریکا، برای جلوگیری از سرایت بیشتر بحران و ورشکستگی کامل اقتصاد، در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۸ میزان ۷۹.۹ درصد از سرمایه این شرکت را که به خاطر فعالیت در بازار CDS با مشکل مواجه شده بود، به مبلغ ۸۵ میلیارد دلار خریداری کردند (مشایخ و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۵۷).

بنابراین، مشخص می‌شود که تبعیت نکردن از اصول بیمه‌ای این قابلیت را دارد که حتی بزرگ‌ترین و قدرتمندترین شرکت بیمه‌ای دنیا را تا مرز ورشکستگی پیش ببرد. البته همان‌طور که ذکر گردید، AIG ریسک سود و زیان بانک‌ها و حتی ریسک نکول آنها را هم بیمه نکرده بود بلکه این شرکت ریسک نکول اوراق بهادار را تعهد کرده بود که در مقایسه با ریسک سود و زیان بانک‌ها به مراتب با مشکل کمتری مواجه می‌باشد. در نتیجه، بیمه کردن غیراصولی ریسک سود و زیان سپرده‌ها، با احتمال ورشکستگی بالای آن شرکت بیمه همراه می‌شود. شایان توجه است که محدود کردن سقف تعهدات بیمه‌ای سپرده‌ها هم نمی‌تواند مشکل را برطرف نماید؛ زیرا برخی قابلیت‌های بیمه‌پذیری اصولاً وجود ندارد تا در گام بعد

بحث کنیم که شرکت بیمه، در ارائه محصول بیمه‌ای خود تمام ضرر و زیان را بیمه نکرده و مثلاً تنها ۱۰ درصد آن را بیمه می‌کند.

۴. ضمانت سپرده‌ها

بانک‌های متعارف از یک سو به تضمین اصل و فرع سپرده‌ها می‌پردازند و از سوی دیگر، به دلیل مواجهه بودن با انواع ریسک‌های بانکی از جمله ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ریسک نرخ بهره و ... همواره با این خطر مواجه‌اند که از عهده تعهدات خود در قبال سپرده‌گذاران برنیایند و کارشان به زیان و ورشکستگی ختم شود؛ با این حال، صنعت بیمه‌گری و شرکت‌های بیمه خصوصی به دلایل برشمرده شده در بالا، نمی‌توانند به سپرده‌گذاران بانکی کمک چندانی نموده و خیال آنها را از بابت اصل و فرع پولشان راحت گردانند؛ از این رو وقتی بانکی ورشکست می‌شود، نه تنها جمع زیادی سپرده‌گذار را دچار زیان مالی کرده و در آنها نارضایتی ایجاد می‌کند بلکه سپرده‌گذاران بانک‌های دیگر هم ممکن است با مشاهده این اوضاع و ترس از پیشامد مشابه، به بانک‌های خود مراجعه کرده و سپرده‌های خود را مطالبه نمایند. این مراجعه، اگر شدت یافته و حالت هجوم به خود بگیرد می‌تواند بانک‌های دیگر را یکی پس از دیگری به ورشکستگی کشانده و سبب نارضایتی گسترده سپرده‌گذاران بانکی شود و در نهایت ممکن است اقتصاد کشور را با بحران روبه‌رو کرده و اوضاع سیاسی را به آشوب کشاند. تجربه بانکداری متعارف، نمونه‌های زیادی را از این سرایت دومینویی بحران از یک بانک به بانک‌های دیگر و کل سیستم بانکی و بعد کل سیستم مالی و کل سیستم اقتصادی به یاد دارد. در نتیجه، دولت‌ها اقدامات احتیاطی را در پیش می‌گیرند تا از این اتفاقات محتمل جلوگیری نمایند که یکی از این اقدامات، ضمانت سپرده‌های بانکی می‌باشد که با تسامح بیمه سپرده‌ها نیز گفته می‌شود. بر اساس گزارش افشاری و همکاران (۱۳۸۸، ص ۳) سیستم ضمانت سپرده‌ها اولین بار توسط آمریکا در سال ۱۹۳۴ ایجاد شد و سپس در دهه ۱۹۶۰ نه کشور دیگر این سیستم را پیاده کردند و از دهه ۱۹۸۰ این روند به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافت؛ طوری که در سال ۱۹۹۴ سیستم ضمانت سپرده به عنوان استاندارد بانکداری اروپا مطرح شد.

اما ضمانت سپرده‌ها یک عملیات بیمه‌گری نیست که با هدف کسب سود توسط بخش خصوصی و حتی شرکت‌های بیمه‌ای دولتی صورت پذیرد، بلکه یک عملیات حمایتی دولتی غیرانتفاعی است برای جلوگیری از ایجاد بحران‌های مالی و اقتصادی گسترده احتمالی که منجر به بحران‌های اجتماعی و سیاسی خواهد شد؛ لذا دولت‌ها با تشکیل یک صندوق ضمانت سپرده‌ها، عملیات ثبات‌بخشی به سیستم مالی را در دستور کار خود قرار می‌دهند. موجودی این صندوق در برخی کشورها از سوی بانک‌ها و به عنوان حق عضویت تأمین می‌شود و در برخی دیگر، توسط دولت و در تعدادی دیگر از کشورها، بخشی از آن توسط بانک‌ها و بخشی توسط دولت تأمین می‌شود؛ طوری که بتواند در صورت بروز بحران، بخشی از سپرده‌ها را جبران نماید؛ یعنی ضمانت سپرده‌ها کامل و صددرصدی نیست بلکه معمولاً سقفی برای آن تعیین می‌گردد؛ برای مثال، صندوق ضمانت سپرده‌های ایران که در سال ۱۳۹۲ بر اساس ماده ۹۵ برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ تأسیس گردید، از قبل دریافت حق عضویت از مؤسسات مالی و اعتباری و سرمایه‌گذاری آنها توسط بانک مرکزی، سپرده‌گذاران را در صورت ایجاد بحران، به صورت محدود تا سقف یک میلیارد ریال^۱ حمایت و این مؤسسات را ضمانت می‌کند؛ بنابراین، بحث ضمانت سپرده‌ها از موضوع بیمه سود سپرده‌ها کاملاً مجزا و متفاوت می‌باشد.

۵. خلاصه، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گذشت، در بانکداری اسلامی التزام به عقود مالی اسلامی، تسهیلات‌گیرنده، بانک و سپرده‌گذار، هر سه را درگیر ریسک سود و زیان می‌کند - چه با عقد یک قرارداد مبادله‌ای و یا عقد یک قرارداد مشارکتی -؛ طوری که هر یک باید سهمی از آن را بر عهده گیرند و این همان چیزی است که در بانکداری متعارف وجود ندارد. به این دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران بانکداری اسلامی، مهم‌ترین وجه تمایز این بانکداری از بانکداری متعارف را در پذیرش یا عدم پذیرش این ریسک از سوی سپرده‌گذاران و بانک می‌دانند. این مسئله بارزتر می‌شود با دقت نظر در این موضوع که حتماً افرادی (حقیقی و یا حقوقی) باید وجود

^۱. مصوبه ۶۷۵۴/ت/۵۲۲۲۴ مورخ ۱۳۹۴/۵/۲۷ و ۵۳۹۹۹/ت/۱۵۶۹۰۹ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۱۰ هیئت وزیران.

داشته باشند که ریسک‌های دخیل در سود و زیان از جمله ریسک سرمایه‌گذاری و تغییر قیمت را بپذیرند. این مسئله این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا می‌توان با سازوکار بیمه، این مشکل را برطرف نمود؛ طوری که ریسک سود و زیان موجود در عقود شرعی بانکی - اعم از مبادله‌ای و مشارکتی - را با سازوکار بیمه‌ای از سپرده‌گذاران و خود بانک اسلامی به شرکت بیمه منتقل کرد؟ به عبارت دیگر، آیا شرکت بیمه حاضر است با دریافت حق بیمه، این ریسک را به جای سپرده‌گذاران و بانک متحمل شده و آنها را در برابر این ریسک بیمه نماید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، سپرده‌گذاران متشرع و بانک اسلامی هم مانند سپرده‌گذاران و بانک متعارف، خواهند توانست از یک سود معین قطعی از پیش تعیین شده برخوردار شوند بدون آنکه فعالیت ربوی اتفاق افتاده باشد.

در پاسخ به این سؤالات، با مراجعه به ویژگی‌های صنعت بیمه و ادبیات صنعت بیمه‌گری مشخص گردید که هر ریسکی قابلیت بیمه‌شدن توسط شرکت بیمه را ندارد و لذا برای هر ریسکی، محصول بیمه‌ای متناسب آن، توسط شرکت‌های بیمه عرضه نمی‌گردد. ریسک‌هایی قابلیت بیمه‌پذیری دارند که ایستا و خالص باشند؛ اما بیمه‌کردن ریسک‌های پویا و سوداگرانه به دلیل عدم احراز شرایط خاص و همگن بودن ممکن نیست؛ بدین ترتیب بحث شد که ریسک سود و زیان قابلیت بیمه‌شدن ندارد. برای بررسی بیشتر این موضوع، تعدادی از ریسک‌های زیرمجموعه این ریسک یعنی ریسک نرخ ارز، ریسک قیمت سهام و ریسک قیمت کالا به جهت ویژگی‌های لازم برای بیمه‌پذیری ارزیابی شدند و مشخص گردید که این ریسک‌ها قابلیت بیمه‌شدن را نداشته و هیچ شرکت بیمه خصوصی نمی‌تواند این ریسک‌ها را بیمه نماید.

در ادامه مقاله، این موضوع بررسی شد که اگر یک شرکت بیمه به هر دلیلی تصمیم به عرضه محصولات بیمه‌ای مرتبط با چنین ریسک‌هایی بگیرد، در صورت تحقق این ریسک‌ها، عدم توانایی در عمل به تعهدات از سوی آن شرکت بیمه بسیار محتمل خواهد بود؛ به عبارت دیگر، ممکن است یک شرکت بیمه مثلاً به دلیل اعتقاد به دوام شرایط رونق در اقتصاد، بیمه‌کردن ریسک زیان را حتی با حق بیمه‌های به نسبت پایین، سودآور تشخیص دهد و لذا برخلاف اصول بیمه‌گری اقدام به عرضه محصولات بیمه‌ای مرتبط نماید. در چنین شرایطی، مادام که اقتصاد در رونق و شکوفایی قرار دارد، هیچ مشکلی نه برای بیمه‌گر و نه برای

بیمه‌گذاران پدید نمی‌آید؛ اما در صورت بروز رکود به نسبت شدید، احتمال ورشکستگی آن شرکت بیمه بالاست و در نتیجه، هم بیمه‌گر و هم بیمه‌گذاران، هر دو، متحمل خسارت شدید می‌شوند. در تبیین این موضوع، تجربه شرکت بیمه AIG در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۸ تبیین شد و مشخص گردید که این شرکت چگونه در معرض ورشکستگی قرار گرفت؛ اگرچه که این شرکت هیچ‌گاه بانک و یا سپرده‌گذاران بانکی را بیمه نکرد و اینکه ریسک بیمه‌شده توسط این شرکت هم ریسک سود و زیان نبود.

مباحث مطرح‌شده، ما را به این نتیجه می‌رساند که سازوکار بیمه‌ای راه‌حل اجتناب از ریسک سود و زیان متوجه عقود مبادله‌ای و مشارکتی نمی‌تواند باشد؛ یعنی اگر وجه تمایز اصلی بانکداری اسلامی و متعارف در پذیرش یا عدم پذیرش این ریسک از سوی بانک و سپرده‌گذاران است، امکان انتقال آن به شرکت‌های بیمه وجود ندارد و باید حتماً توسط بانک‌های اسلامی و سپرده‌گذاران آنها پذیرفته شود. در این صورت خیال بانک و مهم‌تر از آن، خیال سپرده‌گذاران هیچ‌گاه از بابت دریافت یک نرخ سود سرمایه‌گذاری مشخص از پیش تعیین‌شده بدون ریسک راحت نمی‌شود و باید ریسک را بپذیرند و حتی بحث ضمانت سپرده‌ها توسط دولت هم مشکل را نمی‌تواند برطرف نماید؛ زیرا اولاً این تضمین که یک عملیات بیمه‌گری نبوده و تنها با هدف جلوگیری از بروز بحران‌های مالی و اقتصادی محتمل، طراحی گردیده است و ثانیاً مربوط به اصل سپرده‌ها و نه سود آنها می‌باشد و پوشش بیمه‌ای محدودی را برای اصل سپرده‌ها آن هم تنها در صورت تشخیص بحران قریب‌الوقوع برای سپرده‌گذاران تأمین می‌کند.

در نهایت، درک این موضوع که هیچ‌گزینه‌ای از ریسک‌های سود و زیان نیست حتی با سازوکار بیمه‌ای، ممکن است ما را کمک کند به درک بهتر اصل اساسی «تسهیم سود و زیان» و اینکه چرا در بانکداری اسلامی تأکید می‌شود بر اینکه این ریسک باید تسهیم شود و نمی‌شود بار تحمل آن را تنها بر دوش تسهیلات‌گیرنده انداخت.

منابع و مأخذ

۱. اسدی، سعید و همکاران؛ «محاسبه سرمایه الزامی ریسک بازار در مدل توانگری مالی شرکت‌های بیمه»؛ پژوهشنامه بیمه، س ۳۲، ش ۳، ۱۳۹۶.

۲. افشاری، زهرا و همکاران؛ «تأثیر سیستم بیمه سپرده صریح بر وقوع بحران‌های بانکی (در کشورهای در حال توسعه)»؛ فصلنامه پول و اقتصاد، ش ۱، ۱۳۸۸.
۳. امیری، حسین و مونا توفیقی؛ «الزامات وجود بیمه سپرده و ارتباط آن با مقاومت بانکی»؛ فصلنامه اقتصاد مالی، س ۱۵، ش ۴۱، ۱۳۹۶.
۴. دهدشتی شاهرخ، زهره و همکاران؛ «نوآوری برای بیمه کردن بیمه‌ناپذیرها»؛ تازه‌های جهان بیمه، ش ۱۴۶ و ۱۴۷، ۱۳۸۹.
۵. صالح ترکستانی، محمد و همکاران؛ مفاهیم و اصول بیمه؛ تهران: سادس، انجمن حرفه‌ای صنعت بیمه، ۱۳۹۳.
۶. علم‌الهدی، سیدسجاد؛ «بانکداری اسلامی و ریسک، یک تحلیل تطبیقی»؛ فصلنامه اقتصاد مالی، س ۱۲، ش ۴۴، ۱۳۹۷.
۷. علومی، حمیدرضا و آزاده حاج محمدجعفر؛ «بررسی تخصصی مسئولیت ریسک‌های سیلان و فوران در قراردادهای حفاری دریایی و امکان پوشش بیمه‌ای آن ریسک‌ها»؛ مطالعات حقوق انرژی، دوره ۳، ش ۱، ۱۳۹۶.
۸. کریمی، آیت؛ کلیات بیمه؛ چ ۹، تهران: پژوهشکده بیمه وابسته به بیمه مرکزی، ۱۳۸۶.
۹. گرجی، ابراهیم و همکاران؛ «نظریه RBC و بحران اخیر مالی»؛ دو فصلنامه اقتصاد پولی و مالی (دانش و توسعه سابق)، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۰.
۱۰. مرتضی‌نیا، حمید و میرفیض فلاح شمس؛ «شناخت و اولویت‌بندی ریسک‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دارای فناوری پیشرفته؛ مورد مطالعه: فناوری نانو»؛ اندیشه مدیریت راهبردی، س ۶، ش ۲، ۱۳۹۱.
۱۱. مشایخ، شهناز و همکاران؛ «بحران مالی آمریکا و پیامدهای آن»؛ فصلنامه تحلیلی، اطلاع‌رسانی پژوهشی سازمان حسابرسی، حسابرس، ۱۳۸۷.
۱۲. موسویان، سیدعباس و محمد علیزاده اصل؛ «بررسی رابطه ریسک و غرر در بازارهای مالی اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۵۹، ۱۳۹۴.
۱۳. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی فقهی - اقتصادی سپرده‌های انتقال‌پذیر در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، ش ۱۷ و ۱۸، ۱۳۸۸.

۱۴. میرزاخانی، حسن و عباس نوری؛ «شناسایی مهم‌ترین عوامل افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ایران و ارائه راهکارهایی به منظور کاهش آثار منفی آن»؛ *مجله اقتصادی*، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۹۲.
۱۵. ویلیامز، سی آرتور و جی آر ریچارد دام. هینز؛ مدیریت ریسک و بیمه؛ ترجمه داور ونوس و حجت‌اله گودرزی؛ چ ۲، تهران: انتشارات نگاه دانش، ۱۳۸۵.
16. Abdual Karim, Mastura, M.kabir Hassan, Taufiq Hassan & Shemsher Mohamad; "Capital adequacy and lending and deposit behaviors of conventional and Islamic banks"; **Pacific-Basin Financial Journal**; No.28, 2014.
17. Akbar, Saeed, Syed Zulfiqar Ali Shah & Shahin Kalmadi; "An investigation of user perceptions of Islamic banking practices in the United Kingdom"; **International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management**, Vol.5 No.4, 2012.
18. Ali al-Fijawi & Mohammad Farid; "Salam (Forward sale) and ISTINĀŪ (Manufacture Contract) in modern application: A MAQŪŪD AL-SHARĪŪAH Perspective"; **International Journal of Business, Economics and Law**, Vol.9, Issue.5, 2016.
19. Berliner, B. & N. Bühlmann; "Subjective Determination of Limits of Insurability on the Grounds of Strategic Planning"; **Geneva Papers on Risk and Insurance**, No.11(2), 1986.
20. Berliner, B; "Large Risks and Limits of Insurability", **Geneva Papers on Risk and Insurance**, 1985.
21. Berliner, B; **limits of Insurability of Risks**; USA: Englewood Cliffs, 1982.
22. Biener, C., M. Eling, & J.H Wirfs; "Insurability of Cyber Risk: An Empirical Analysis"; **Geneva Papers on Risk and Insurance**, No.40(1), 2015.

23. Biener, Christian, Martin Eling & Jan Hendrik Wirfs; “Insurability of Cyber Risk: An Empirical Analysis”; The International Association for the Study of Insurance Economics 1018-5895/14, **The Geneva Papers**; (www.genevaassociation.org), 2014.
24. Biener, Christian, Martin Eling & Mirko Kraft; “The Impact of Telematics on the Insurability of Risks”; syskonf.pl, 2017.
25. Choudhury, Masudul Alam & Md. Mostaque Hussain; “A paradigm of Islamic money and banking”; **International Journal of Social Economics**, Vol.32, No.3, 2005.
26. Courbage, C & P.M Liedtke; “the geneva association”; 53 route de malagnou, CH-1208 geneva, secretariat @ genevaassociation.org, 2007.
27. Cull, Robert J, Senbet Lemma W & Marco Sorge; “Deposit Insurance and Financial Development”; **Journal of Money, Credit, and Banking**, Vol.37, No.1, 2005.
28. Doherty, Neil A. & Alexander Muermann; "Insuring the uninsurable: brokers and incomplete insurance contracts"; **CFS Working Paper Series**, 2005.
29. Emmett, J. Vaughan & Therese M. Vaughan; **Fundamentals of risk and insurance**; 11th Edition, ISBN: 978-1-118-53400, 2013.
30. Fasih, Faisal; “Inclusive growth in india through Islamic banking”; **International Conference on Emerging Economies – Prospects and Challenges**, Available online at www.sciencedirect.com, Procedia - Social and Behavioral Sciences 37, 2012.

31. Greuning, H. V., and z. Iqbal; **Risk Analysis for Islamic Banks**; Washington, DC: International Bank for Reconstruction and Development Word Bank, 2008.
32. Khan. T & H. Ahmed; “Risk Management in Islamic banking”; 2007.
33. Krieger, Kristian & David Demeritt; “Limits of insurance as risk governance, Market failures and disaster politics in German and British private flood insurance”; Published by the Centre for Analysis of Risk and Regulation at the London School of Economics and Political Science, Houghton Street London, WC2A 2AE, UK, 2015.
34. Nguyen, Tristan; “Insurability of Catastrophe Risks and Government Participation in Insurance Solutions”; Background Paper prepared for the Global Assessment Report on Disaster Risk Reduction, (Email: tristan.nguyen@whl-lahr.de), Problems and Potential Solutions, **Geneva Papers on Risk and Insurance**; No.37(1), 2013.
35. Rejda, G.E. & M. McNamara; **Principles of Risk Management and Insurance, Pearson Series in Finance**; USA., 12th ed, 2014.
36. Turk Ariss, Rima & Yolla Saredidine; “challenge in implementing capital adequacy guidelines to Islamic banking”; **Journal of banking regulation**; Vol.9, 2007.
37. Zeeshan Farrukh, Muhammad; “the analysis of application of SALAM & ISTISNA’A in Islamic financial industry”; 2015.
38. Zins, Alexandra & Laurent Weill; “Islamic banking and risk: the impact of basel 2”; **Pacific-Basin Financial Journal**, 2017.